

نشست علمی همایش بین‌المللی بیست‌وسومین یادروز حافظ



نشست علمی بیست‌وسومین یادروز حافظ، با موضوع «حافظ و انسان دیروز و امروز»، صبح شنبه، ۲۰ مهرماه ۱۳۹۸، در تالار مرکز اسناد و کتابخانه ملی فارس، برگزار شد.



در آغاز این مراسم، دکتر کاووس حسن‌لی، مدیر مرکز حافظ‌شناسی و کرسی پژوهشی حافظ، پس از خوشامدگویی به حافظ‌پژوهان و حافظ‌دوستان حاضر در جلسه و سپاسگزاری از همه‌ی افراد و نهادهایی که مرکز حافظ‌شناسی را در برگزاری این یادروز باری کردند، گزارشی از کتاب‌های منتشرشده در پیوند با حافظ، در سال گذشته، ارائه داد. دبیر علمی بیست‌وسومین یادروز حافظ، در این باره گفت: «بر پایه‌ی گزارش‌های دو پایگاه مهم اطلاع‌رسانی در حوزه‌ی نشر کتاب، یعنی «سازمان اسناد و کتابخانه ملی» و «خانه‌ی کتاب»، در سال ۱۳۹۷، مجموعاً حدود صد هزار عنوان کتاب، منتشر شده است. اینکه می‌گویم حدوداً، به این دلیل است که آمار منتشرشده‌ی این دو پایگاه، اندکی، با هم تفاوت دارند. از این تعداد، بیش از دوازده هزار عنوان،

اینکه در این میان، نکته‌ای شایسته‌ی توجه که خوشایند می‌تواند باشد هم، وجود دارد، گفت: «میزان کتاب‌های تألیفی و تحقیقی، نسبت به انواع دیگر، رشد بیش‌تری داشته است؛ یعنی اگر از نظر موضوعی، به کتاب‌های منتشرشده نگاه کنیم، در دهه‌ی گذشته، آهنگ رشد کتاب‌های تحقیقی و تألیفی، نسبت به کتاب‌های دیگر، از جمله فال‌نامه‌ها، آهنگ بهتری بوده است.»

مدیر مرکز حافظ‌شناسی و کرسی پژوهشی حافظ، سپس به موضوع یادروز حافظ امسال پرداخت و گفت: «همان‌طور که می‌دانید، مرکز حافظ‌شناسی، موضوع علمی یادروز حافظ در سال ۱۳۹۸ را «حافظ و انسان امروز و دیروز» اعلام کرد و ما حافظ‌پژوهان عزیز را در ایران و هر جای دیگر جهان، دعوت کردیم تا این موضوع را در کانون توجه قرار دهند. موضوع «حافظ و انسان» را از زاویه‌های گوناگون می‌توان نگاه کرد؛ اما شاید بتوان همه‌ی این زاویه‌ها را در دو دسته‌ی کلی جای داد: یکی، بررسی مفهوم انسان در اندیشه‌ی حافظ، در مقایسه با دیگران و دیگری، نگاه انسان معاصر به شعر حافظ و کارکرد این شعر برای انسان امروز.» وی در ادامه افزود: «همان‌طور که پیش‌تر در جمع خبرنگاران گفته بودم، پرسش‌های گوناگونی در اینجا می‌تواند مطرح باشد؛ مثلاً: حافظ در سده‌ی هشتم به انسان چگونه می‌نگرد؟

کتاب‌های مربوط به ادبیات بوده است؛ البته در آمار خانه‌ی کتاب، این رقم بسیار بیش‌تر آمده است.» وی افزود: «آنچه به گزارش اکنون ما مربوط می‌شود، کتاب‌هایی‌ست که در پیوند با حافظ، در این سال، انتشار یافته‌اند. از مجموع کتاب‌هایی که این دو پایگاه اطلاع‌رسانی برای حافظ ثبت کرده‌اند، با حذف موارد تکراری، در مجموع، ۲۲۵ عنوان کتاب، با شمارگان ۱۹۲،۵۶۸ نسخه، در پیوند با این شاعر، منتشر شده است.» ایشان در ادامه گفت: «نکته‌ی جالب توجه این است که با همین آمارهای موجود هم، متوسط شمارگان هر عنوان کتاب، حدود ۸۵۴ نسخه است. این در حالی‌ست که ما می‌دانیم بسیاری از ناشران، به دلایل گوناگون، عدد شمارگان را بیش‌تر از تعداد واقعی می‌زنند؛ یعنی مثلاً، پانصد نسخه چاپ می‌کنند؛ ولی در شناسنامه، هزار نسخه می‌نویسند. با آنکه، معمولاً، به دلیل همین رفتار ناشران در سال‌های اخیر، عدد تیراژ نوشته‌شده در شناسنامه‌ی کتاب‌ها، بیش‌تر از تعداد واقعی آن‌هاست، باز هم، آمار شمارگان کتاب‌ها تأمل برانگیز و البته تأسف برانگیز است؛ یعنی، به‌طور متوسط، هر عنوان کتاب، حدود ۸۵۰ نسخه؛ البته می‌توانیم برای دلخوشی خودمان، دلیل کاهش این آمار را انتشار اینترنتی و صوتی کتاب‌ها بدانیم؛ اما به نظر می‌رسد آسیب کار در جایی دیگر باشد.» دکتر حسن‌لی با بیان

رفتارهای شایسته‌ی انسان معتدل و متعادل چیست؟ انسان متعالی از نظر او کیست؟ وقتی می‌گوید: «مکن به فسق مباحات و زهد هم مفروش» دنبال چگونه انسانی است؟ آیا انسانی را که حافظ به دنبال اوست، باید در آسمان جست یا روی زمین است؟ از دیدگاه حافظ، رابطه‌ی انسان با اجتماع و رابطه‌ی انسان با خداوند، چگونه بازتعریف شده است؟ انسان آرمانی حافظ کیست و چه تفاوتی با انسان آرمانی اندیشمندان دیگر دارد؟ و در سطحی دیگر، انسان امروز، با شعر حافظ چه رابطه‌ای می‌تواند داشته باشد؟ به سخنی دیگر، شعر حافظ چه نیازی از انسان معاصر را پاسخ می‌دهد؟ و ده‌ها پرسش دیگر که می‌توانند پرسش‌های تحقیق، برای بسیاری از پژوهش‌ها باشند. امروز، خوشبختانه، در دو نشست پیش رو، استادان حافظ‌پژوه ما، پاسخ برخی از این پرسش‌ها را به بحث می‌گذارند و ما را در یافته‌هایشان شریک می‌کنند.»

پس از این سخنرانی، بخش نخست نشست علمی یادروز حافظ آغاز شد. نخستین سخنران این بخش، دکتر محمدعلی نعمت‌الهی، استاد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم بود. موضوع سخن او، به «انسان در نگاه حافظ و ملاصدرا» اختصاص داشت. دکتر نعمت‌الهی، خداشناسی، انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی را اصلی‌ترین مؤلفه‌های مشترک



در اندیشه‌ی حافظ و ملاصدرا دانست و مفاهیم کلیدی انسان‌شناسی آن‌ها را، در دو قلمرو واقع‌گرایی و کمال‌گرایی، چنین برشمرد: «امور وجودی، طبیعت و فطرت انسان، ابعاد اصلی هویت انسان، ارتباطات انسان، نیازهای انسان، ارزش‌ها و ضدارزش‌ها و عوامل سعادت و شقاوت انسان». به گفته‌ی او: «شاخص‌های اصلی نگاه حافظ و ملاصدرا در انسان‌شناسی (هست‌ها و باید‌ها)، عبارت‌اند از: واقع‌بینی، جامع‌نگری،

خوش‌بینی، امید و مثبت‌اندیشی، آسیب‌شناسی و آفت‌زدایی، کمال‌طلبی و آرمان‌گرایی (نجات و رستگاری). در انسان‌شناسی صدرا، نفس و عقل (اسفار اربعه‌ی عقلیه) و در نگاه حافظ، وجود و عشق، هویت اصلی انسان و خود واقعی اوست.»

سپس، دکتر علی رجایی، استاد بخش زبان‌های خارجی دانشگاه اراک، از «تاریخ خلقت، مفهوم انسان و انسان‌بودن، نزد حافظ و گوته» سخن گفت. دکتر رجایی با اشاره



به تاریخ خلقت انسان در ادیان الهی و بازتاب آن در آثار ادب و شعرا، دیدگاه این دو شاعر را درباره‌ی مفاهیم و موضوعات یادشده، با هم مقایسه کرد. به گفته‌ی او: «حافظ و گوته، با مهارت، هنرمندی و خلاقیت تمام، به توصیف ادبی و شاعرانه‌ی موضوع خلقت آدم و سرنوشت او در زمین پرداخته‌اند و دیدگاهی، نسبتاً مشابه در این باره دارند. نزدیکی و مشابهت دیدگاه این شاعران، در موضوعات و مفاهیمی مانند خلاقیت، همت، آزادی، حیرت، عدالت، عشق، سرنوشت، مقام خلیفه‌الهی انسان، تفاوت انسان و فرشته، خیر و شر و به‌ویژه، خصوصیات انسان برتر و فطرت کمال‌گرایی او، دیده می‌شود. این شباهت‌ها افزون بر آنکه بیانگر اثرپذیری گوته از حافظ و پیوند روحی نوابغ انسانی و شیفتگان انسانیت است، بر مشابهت‌های ذاتی و ریشه‌ی مشترک انسان‌ها، به واسطه‌ی آدم (ع) و حوا، تأکید و اهمیت تحقیقات و گفت‌وگوهای میان‌فرهنگی را یادآوری می‌کند.»

سومین و آخرین سخنرانی بخش نخست نشست‌ها، درباره‌ی «حافظ و روان‌شناسی ترس» بود.

دکتر امیرحسین ماحوزی، استاد دانشگاه پیام نور (مرکز دماوند)، با درنگ بر ترس‌ها و شیوه‌های مقابله با آن (از فرار تا مبارزه) در دیوان حافظ، این موضوع را از منظری روان‌کاوانه و

با تکیه بر نگاه «یونگ» و «دوران» بررسی کرده بود. به گفته‌ی دکتر ماحوزی:



«از نخستین غزل حافظ، آنچه درخور توجه است، احساس بیم است؛ ترس از شب تاریک، بیم موج و وحشت از گردابی هولناک و فروکشنده. با نگاهی پدیدارشناسانه، این ترس‌ها را می‌توان به سه دسته «ترس از جهان»، «ترس از دیگری» و «ترس از من» تقسیم کرد. ترس از جهان، ترس از ناپایداری، فریب و بی‌وفایی آن و به‌ویژه، ترس از ناشناختگی جهان، یعنی ناتوانی در فهم راز آن، است. این ترس در شعر حافظ، بیش‌تر، با تاریکی توصیف می‌شود (شب تاریک). «دیگری» در شعر این شاعر، می‌تواند دیگری عام، معشوق یا ممدوح باشد. در همه‌ی این موارد، ترس از خشم، حسد یا غیرت و بی‌اعتنایی، ترس از ملامت و بدنامی و ترس از ناشناخته‌بودن دیگری، به‌ویژه در جامعه‌ی ریاکار، از ترس‌های اصلی دیوان حافظ است. این ترس با احساس رهاشدگی، طرد و هبوط یا سقوط همراه است (گرداب هایل). ترس از «من» نیز، ترس از قلمروهای ناشناخته‌ی درون را در بر می‌گیرد. اصلی‌ترین ترس‌های دیوان حافظ در این عرصه، عبارت‌اند از: ترس از گناه و وسوسه‌ها؛ ترس از ناتوانی و ضعف، به‌ویژه در پیکار عشق؛ ترس از فقر و مرگ؛ بیم روبه‌روشدن با تناقض‌های درونی و از همه مهم‌تر، ترس از راه‌نبردن به راز درونی «من» (بیم موج).»

دکتر ماحوزی با بیان اینکه واکنش شخصیت‌های اصلی دیوان حافظ، رند و زاهد، به این ترس‌ها متفاوت است، گفت: «رند، این جهان و سختی‌های آن را می‌پذیرد و رها از نام و ننگ، با دم‌غنیمت‌شمردن، مستی، موسیقی و عشق‌ورزی، اکنون را جاودانه می‌سازد؛ اما زاهد، اسیر نام و ننگ است و گریزان از اکنون و ناشناختگی و ناپایداری جهان، چشم به پاداش اخروی و جهان دیگر دارد.»



فلسفه و شعر، به طور خاص، عمیق تر و پیچیده تر از آن است که در آغاز به چشم می آید. بازتاب اندیشه های فلسفی در شعر شاعران چنان بوده است که حتی برخی از شاعران بزرگ را «فلسوف شاعر» می نامند. یکی از شاعرانی که اهل فلسفه، توجهی ویژه به شعر او داشته اند و دارند، حافظ است. این توجه، گاه، به اعتبار وجوه فلسفی شعر حافظ است و گاه، به اعتبار نحوه ی مواجهه ی مفسران و نوع رهیافت آن ها به این شعر؛ اما بسیاری از نوشته هایی که داعیه ی شرح و نقد فلسفی را دارند، عملاً، وجه و اعتبار فلسفی ندارند یا در حد استخدام واژگان فلسفی، متوقف شده اند.»

پایان بخش سخنرانی های علمی

بیست و سومین
یادروز حافظ،
سخنران
کاوه بهبهانی،
مترجم،
مدرس
و پژوهشگر
فلسفه، با



موضوع «حافظ، دیگری و دگرپذیری» بود. بهبهانی، با بهره گیری از مفهوم «هتروگلسیا» از منظومه ی فکری باختمین و آوردن نمونه هایی از دیوان حافظ، از «دیگری» و «دگرپذیری» در این اثر سخن گفت. به گفته ی او: «از رهگذر خواندن موشکافانه ی ابیات حافظ، می توان ایرادهای جدی او را به خودمداری دریافت کرد. رهایی از خودمداری، راه را برای حضور دیگری و پذیرش غیر، باز می کند و یکی از اساسی ترین ارکان فکری شعر حافظ، دگرپذیرکردن گفتمان های متعارض و کنارهم نشانیدن و هم آمیزی آن هاست.»

و دنیای انسانی پیرامونش شکل داده است. حافظ به مدد تجربه مندی تاریخی و اجتماعی و سرشت چالشگرانه اش، در مقابل طبقات و لایه های اجتماعی و جریان های ارزشی و ضد ارزشی روزگار خود ساکت نمانده و آن ها را در بوته ی نقد خود نشانده است. روح نقادانه ی حافظ و پیام های شاعرانه اش، با گریز از جزئی نگری و پرداختن به مسائل و دغدغه های کلان انسانی، سخن و پیام او را از ظرفیت زمانی و مکانی اش خارج کرده و به نسل های بعد، تعمیم داده است؛ به گونه ای که شعر و سخن حافظ، در هر عصر و زمانی، قابلیت بازتولید پیدا می کند و با دریافت های مردم هر روزگاری، براساس شرایط و مسائل روزگارشان، نو می شود. علت پذیرش پایا و ماندگاری حافظ در کنار جادوی کلام و هنر شاعری او نیز، همین است. حافظ با وجود گرایش عرفانی و معنوی، پیوند خود را با زندگی دنیایی انسان نگسسته و بر آن چشم نبسته است. انسانی که در جغرافیای ذهنی حافظ جاگرفته، انسانی است با همه ی ویژگی هایی (فضیلت ها و کاستی ها) که انسان، ماهیتاً، می تواند داشته باشد و مخاطب پیام های حافظ هم، چنین انسانی است.»

دکتر علیرضا نیکویی، استاد دانشگاه

گیلان، سخنران دیگر این نشست بود. «نقد رهیافت فلسفی به شعر حافظ (معطوف به پرسش های انسان)»،



موضوعی بود که او در سخنانش به آن پرداخت. به گفته ی دکتر نیکویی: «رابطه ی فلسفه و ادبیات، به طور عام و

در آغاز بخش دوم نشست علمی یادروز حافظ، یاد و خاطره ی برخی از فرهیختگانی که در سال جاری و سال های اخیر، به دیدار دوست شتافتند، در قالب نماهنگی، گرمی داشته شد؛ فرهیختگانی از جمله پرویز خائفی، جمال زبانی، سلیم نیساری، غلام حسین امامی، عباس کشتکاران و ناصر امامی.

نشست دوم، با سخنرانی دکتر

اصغر دادبه،
استاد دانشگاه
علامه طباطبایی،
درباره ی «حافظ
و انسان امروز»
شروع شد. دکتر
دادبه در پاسخ



به این پرسش که «حافظ برای انسان امروز چه حرفی دارد؟» گفت: «حضور این تعداد از حافظ پژوهان و حافظ دوستان در جلسه ی امروز و شهرت حافظ در طول تاریخ، نشان می دهد که حافظ، حتماً، سخنی برای انسان همه ی اعصار داشته که همواره، در کانون توجه بوده است. انسان امروز، به بازگشت به جهان معانی و شهود که مرحله ی عالی تعقل است، نیاز دارد. روح انسان امروز، آزاده ی آزمندی و کینه جویی ست و حافظ، با طرح گسترده ی رذایل و فضایل اخلاقی در شعرش و تأکید بر پرهیز از آزار دیگران و عشق ورزی، درمان این درد را در اختیار انسان دردمند امروز، قرار می دهد. یکی از مفاهیم کلیدی دیوان حافظ، آزادی ست. انسان امروز نیز، در پی دستیابی به آزادی ست؛ از این رو، حافظ برای انسان روزگار ما، حرف های بسیاری دارد.»

دکتر نصرالله امامی، استاد دانشگاه

اهواز، دومین
سخنران این
بخش بود. او در
سخنران خود
که به موضوع
«حافظ و
جامعه ی انسانی
پیرامونش»



اختصاص داشت، گفت: «یکی از محورهای اصلی جهان بینی حافظ را نگاه ژرف و واقع نگرانه ی او به انسان